

نوستالژی به توان میل



احمدغلامی

یکی از مهم‌ترین مسائلی که جامعه ایران به شکلی جدی درگیر آن است، مواجهه با سنت، گذشته، نوستالژی و پیشرفت است. طیف‌های متفاوتی از جامعه ایران هر یک به شکلی به این مفاهیم واکنش نشان می‌دهند و طرفه اینکه در شرایط منلاطم جامعه، هر یک از این مفاهیم در جنبش‌های اجتماعی ایران نقش بسزایی داشته‌اند. «گذشته» و «سنت» با یکدیگر رابطه‌ای تنگاتنگ دارند. گذشته زمان سبزی شده است و سنت پدیده‌ای است که توانسته در دل گذشته به حیات خود ادامه دهد و از این‌رو است که سنت همواره با اقتدار همراه است. اگر بخوایم جنبش (انقلاب) مشروطه را از این منظر واکاوی کنیم، به ابعاد تازه‌ای دست خواهیم یافت. دوران مشروطه، دوران آشنایی با مفاهیمی است که چندان ریشه در سنت و به تیغ آن در گذشته نداشته‌اند. مفاهیمی همچون قانون، مجلس، آزادی و حتی خود مشروطیت، جملگی از دستاوردهای دنیای جدید بوده‌اند که از راه‌های گوناگون از خارج از مرزها و به واسطه روشنفکران به ایران رسیده بودند. آغاز پیکار دنیای قدیم و جدید را می‌توان در این عصر مشاهده کرد. اما این عصر طلایی در مواجهه با سنت مغلوب شد؛ با اینکه جماعتی تحصیل‌کرده، بانفوذ و قابل احترام از مشروطیت دفاع می‌کردند، اما در مورد اتحاد جامعه نهنتها گذشته در «حال» آنان نقش آفرینی می‌کرد، بلکه عمیقاً دلبسته گذشته بودند. سنت حی و حاضر در دل این گذشته چنان اقتداری داشت که می‌توانست هر پدیده جدیدی را که مانع آرامش زندگی معمول و مرسوم می‌شد، کنار بزند؛ خاصه اینکه سنت از چنان اقتداری برخوردار بود که در بزنگاه‌هایی نقش ایدئولوژی را بازی می‌کرد. بنابراین سردمداران این جنبش اجتماعی که مردم را به دنیای جدیدی فرامی‌خوانند، با همه رویاها و دستاوردهای بی‌ظنیشان تاگام مانندند.

دنیای این روزهای ما

شتاب در مه



رامین خسروخاور

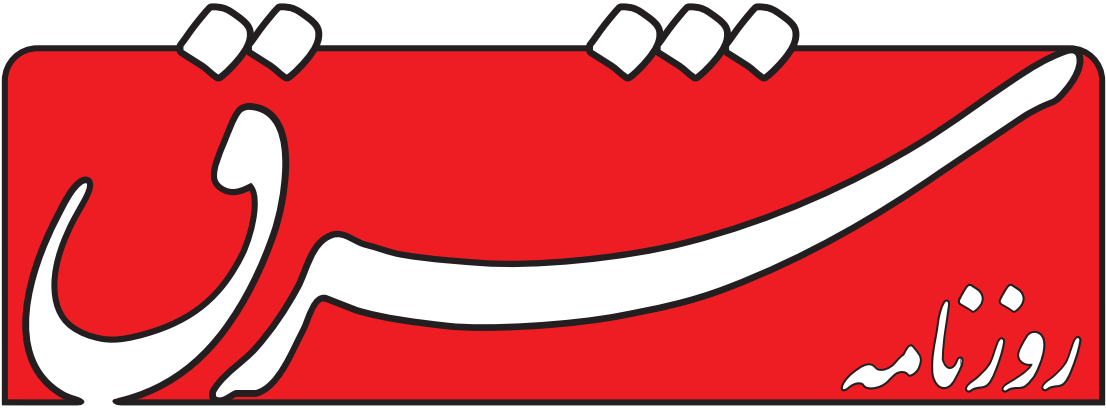
در دنیای این روزهای ما، جهان دیگر بر زمین یقین قدم نمی‌زند؛ بر لبه‌ای از ابهام حرکت می‌کند. میان مه، میان اضطراب، فریبی که خود می‌سازد، چهره‌ای تازه از نااطمینانی به وجود می‌آید. در چنین زمانه‌ای، انسان بیش از آنکه زندگی کند، شتاب می‌کند. می‌خرد، انبار می‌کند، مقایسه می‌کند، و گاهی می‌کوشد خلا درون را با وفور بیرون پنهان سازد. گویی بازار، بناگاه موقت هراس‌ها شده است. سبدها سنگین‌تر می‌شوند، اما دل‌ها سبک‌تر و آرام‌تر نمی‌شوند. خانه‌ها پرتز می‌شوند، اما آرامش، هنوز جایی دور، پشت مه ایستاده است. این ولع خرید، همیشه از نیاز نمی‌آید؛ گاه از ترس می‌آید. از بیم کم‌آوردن، از هراس جاماندن، از سایه روزهایی که هنوز نیامده‌اند اما ذهن را پیشاپیش خسته کرده‌اند. در عصر تردید، بسیاری نه برای امروز، که برای اضطراب فردا خرج می‌کنند. گویی انسان معاصر، در میانه مه، شتاب را جانشین تامل کرده است؛ بی‌آنکه بداند شتاب در مه، گاه بیش از ایستادن، آدمی را به برنگاه نزدیک می‌کند. چه بسار خریدها که تسکین نبودند؛ فقط اندکی اضطراب را عقب انداختند. چه بسار وفورها که نتوانستند جای خالی ثبات را پُر کنند و چه بسار چراغ‌های پر نور تجمل که در نهایت، تاریکی تردید را خاموش نساختند. شاید مسئله اصلی روزگار ما، کمبود کالا نباشد؛ کمبود اطمینان باشد. کمبود آرامشی که انسان بتواند در آن، آهسته‌تر نفس بکشد و بی‌هراس‌تر قدم بردارد. و با همه این ابهام‌ها، هنوز چراغ‌هایی روشن مانده‌اند. هنوز دست‌هایی هست که در میانه اضطراب، به جای انباشت، به مهربانی پناه می‌برند. هنوز دل‌هایی هست که زیر فشار این همه تردید، از تپیدن برای عشق و امید باز نایستاده‌اند.

تصحیح و پورزش

در عکس صفحه یک روزنامه به تاریخ سه‌شنبه ۵ خرداد، نام عکاس خدیجه محمدی‌ناغفی اشتباه درج شده. ضمن پوزش از ایشان بدین‌وسله اصلاح می‌شود.

شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۵
۱۳ ذی‌الحجه ۱۴۴۷
۳۰ می ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۹۶
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه



در «شرق» امروز می‌خوانید:
آیا فساد در حزب حاکم، سانچز را مجبور به استعفا می‌کند؟ • دنیا فقط دود و آوار نیست • آیا پکن به مرکز جدید دیپلماسی و تنظیم نظم جهانی تبدیل می‌شود؟

«شرق» روایت می‌کند؛ در میانه تنش‌های خلیج فارس و ادعای ترامپ از شروط آمریکا و زرمه‌های نهایی شدن تفاهم‌نامه تهران -واشینگتن

محاصره دریایی ایران شکسته شد

گزارش تیتربکر را در صفحه ۲ بخوانید



وضعیت انسانی در متراکم‌ترین باریکه جهان

تت‌نیا هو و پاکسازی قومی در غزه

یادداشت

بازگشایی اینترنت؛ تصمیمی در مسیر امنیت ملی و عقلانیت حکمرانی



افشین حبیب‌زاده

واقعیت آن است که تجربه دهه‌های اخیر در جهان نشان داده هیچ حکمرانی پایداری نمی‌تواند میان امنیت و زندگی روزمره مردم دیوار بلند و دائمی ایجاد کند. امنیت اگر چه یک ضرورت بنیادین برای بقای کشورهاست، اما زمانی معنا و دوام پیدا می‌کند که شهروندان نیز احساس کنند حقوق، معیشت، ارتباطات و آینده آنان در معادلات تصمیم‌گیری دیده می‌شود. در جهان امروز، اینترنت دیگر صرفاً یک ابزار ارتباطی یا سرگرمی نیست، بلکه بخشی از زیرساخت حیاتی کشورها محسوب می‌شود. همان‌گونه که برق، آب، حمل‌ونقل یا نظام بانکی اهمیت دارند. اختلال طولانی در این زیرساخت، تنها یک محدودیت فنی نیست، بلکه به‌طور مستقیم بر اقتصاد، آموزش، سلامت روان، اعتماد عمومی و حتی سرمایه اجتماعی اثر می‌گذارد.

جامعه ایران نیز در سال‌های اخیر به شکلی عمیق با زیست دیجیتال گره خورده است. میلیون‌ها نفر از طریق اینترنت امرار معاش می‌کنند، آموزش

یادداشت

یک سال جنگ در تصویری از پرش سه‌گام



مهرداداحمدی‌شیخانی

مدتی است که قصد نوشتن این یادداشت را داشتم‌ه‌ام و به نوعی در برخی مطالب، نه به صراحت بلکه در لافافه به آن پرداخته‌ام؛ مثلاً بارها از این نوشته‌ام که «آرزوهایمان را تبدیل به خبر و تحلیل نکنیم» و متأسفانه بسیار دیده‌ام که خلاف این عمل کرده‌ایم. این اشاره را ضروری می‌دانم که شاید برای مردم عادی، این عیب نباشد که جهان را از پنجره علائق و نفرتشان ببینند و خشنودی و ناخشنودی خود را در نگاه به مسائل دخیل کنند. اما تحلیلگر در مقام تحلیل، بسیار باید از این عارضه پرهیز کند و در شرح جهان واقع، آنچه را هست توضیح دهد، نه آنچه دوست دارد باشد. در این ایام جنگ که در حقیقت یک سال است طول کشیده، نه به فاصله چندماهه بین جنگ ۱۲روزه و جنگ ۴۰روزه، با آنکه نامش آتش‌بس بود و بمبارانی رخ نمی‌داد، ولی آتش جنگ همچنان لهیب می‌کشید. بهتر است برای آنکه منظورم را واضح‌تر بگویم، به ناچار مثالی بزنم. احتمالاً مسابقات دو میدانی را یا از نزدیک یا از صفحه تلویزیون دیده‌اید. یکی از مجموعه مسابقات دو میدانی، مسابقه «پرش سه‌گام» است. در این نوع از پرش، دوند به فاصله‌ای از چاله پرش که با گام‌هایش سنجیده، می‌ایستد و با فرمان داور به سوی چاله پرش می‌دود و وقتی پایش به خط پرش می‌رسد، اولین گام پرش را برمی‌دارد و می‌پرد. بعد وقتی پای مخالف بر زمین رسید، جست دوم را می‌زند و در سومین گام، با تمام توان پای را بر زمین فشار می‌دهد و در چاله پرش فرود می‌آید و تا جایی که می‌تواند بدن خود را به سمت جلو کش می‌دهد تا اندازه پرش را حد اکثری کند. من وقتی با فاصله و نه به سبب علاقه یا نفرت، به وقایع این یک سال جنگ می‌نگرم، آنچه را رخ داده بسیار مشابهِ پرش سه‌گام می‌بینم. برای شرح این پرش و به‌خصوص گام دوم آن، لازم است خاطره‌ای را نقل کنم. آقای محمد ترکمان دهنوی که تاریخ‌پژوه و کارشناس تاریخ معاصر و از علاقه‌مندان مرحوم دکتر مصدق است و کتاب‌هایی چند در موضوع وقایع کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ دارد، حدود ۴۰ سال پیش بریم خاطره‌ای گفت که همیشه آن را در ذهن دارم. جناب ترکمان تعریف می‌کرد پیش از انقلاب با عده‌ای از جوانان پرشور که دلبستگی به سرنوشت میهن و انتقاداتی نسبت به حکومت پهلوی داشتند، گردهم آمده و هسته‌ای از جریان فعال سیاسی تشکیل داده بودند. در ادامه، ساواک همان آنان را بازداشت کرد و به زندان انداخت و در رسانه‌های آن ایام از کشف گروهی پنهان و خرابکار گفت. جناب ترکمان تعریف می‌کرد در زندان و تحت بازجویی‌ها بود که تازه فهمید آن تشکیلات را

رهبر انقلاب در پیامی به مناسبت آغاز سومین سال فعالیت مجلس دوازدهم تأکید کردند

حفظ انسجام کنونی

و پرهیز از اختلافات پوچ

سیاسی و برجسته‌کردن

تفاوت‌های اجتماعی

۶

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از تأثیر جنگ اوکراین و جنگ ایران بر مسیرهای انرژی و معادلات اقتصادی در کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان

قققاز جنوبی در آستانه تغییر

۳

گزارش میدانی «شرق» از لایه‌های پنهان فقر در پایتخت با بازگشت نسبه و حذف رفاه طبقه متوسط

تهران شهر جیب‌های خالی

۵

گفت‌وگو با امیرعباس پیام و دانیال خیری‌خواه نویسنده و بازیگر سریال «بی‌عاطفه»

در «بی‌عاطفه» شخصیت‌ها از بطن جامعه آمده‌اند

۷

یادداشت

زنجیره بقای توافق احتمالی در دستان بخش خصوصی



پژمان جوزی

رئیس انجمن صنعت ساختمان

جنگ بی‌تردید مشمزنکننده و ناخوشایند است، اما گاه راه گریزی از آن نیست. گاهی روابط به آنجا ختم می‌شود که این گزینه را نمی‌توان انتخاب یا رد کرد، بلکه تحمیل می‌شود، چنان‌که شد. آیا جنگ‌ها سرآغاز یک دشمنی و تداوم پایدار خشم هستند؟ در دنیا مثال‌های فراوانی از جنگ‌ها و دشمنی‌هایی هست که نتیجه آن تضامم ابدی نبوده است. من از انبوه مثال‌های خارجی گذر می‌کنم و ایران و عراق و پس از آن ایران و عربستان را مثال زده و آن را جایگزین مثال‌های خارجی می‌کنم. کمتر کسی گمان می‌برد که نتیجه آن جنگ خونین (ایران و عراق) که حاصل آن انبوه خسارت‌های معنوی و مادی بود، چنین رابطه عمیقی شود و دو کشور به متحدی استراتژیک تبدیل شوند. کمتر کسی باور داشت ایران از آل‌السعود بگذارد و روابط دیپلماتیک خود را در عین حفظ خط مرزها و تفاوت‌ها از سر بگیرد. جنگ‌ها ابدی نیستند، چنان‌که موضوع دشمنی پس از آن نیز ابدی نیست. روابط تهران-واشینگتن به شرایطی از بی‌اعتمادی و شک‌کنندگی سیاسی رسیده بود که جنگ گریزناپذیر بود. برخلاف برخی تصورات، مقاومت و سازماندهی حرفه‌ای در ایران به دنیا ثابت کرد که ایران لقمه گلویگری است. حال که نظام تصمیم‌گیری سیاسی در ایران به این نتیجه رسیده است که برای حفظ منافع کشور راه مصالحه و بازگشت آرامش را در پیش گیرد، باید فضای مناسبی برای فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری در نظر گرفت. نگاه این‌جانب به‌عنوان یک دولوپر (Developer) با ۳۰ سال فعالیت حرفه‌ای در عرصه صنعت ساختمان

و ارزیابی مسائل از نگاه یک فرد اقتصادی، این است که این بازگشت آرامش و ترک مخاصمه می‌تواند دریچه‌ای باشد برای روابط اقتصادی بین شرکت‌های بزرگ در دو کشور.

انا لله و انا الیه راجعون
جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدمحمد خاتمی
با کمال تأثر درگذشت خواهر عزیزتان، بانوی پرهیزگار و نیکوخصال، مادر مهربان اخوان تابش را خدمت شما و ابن عزیزان تسلیت گفته و برای آن روح پاک، غفران الهی و برای شما و کلیه بازماندگان صبر و اجر تمنا داریم.
سیدمصطفی تاج‌زاده
فخرالسادات محتشمی‌پور

۵